



تاریخ معاصر ایران از دوره رضاشاه پهلوی به این سو نشان می‌دهد که اگر اراده حکومت مستقر با خواست‌های برابری خواهانه زنان هم‌سو شود، چه دستاوردهای درخشانی پدید خواهد آمد. واقعیت آشکار این است که مبارزه پادشاهی پهلوی با هیولای ارتجاع سیاه به کامیابی نمی‌رسید اگر حضور سدشکن زنان در میان نبود.

زنان تحسین‌برانگیزی همچون هاجر تربیت، صدیقه دولت‌آبادی، مهرانگیز منوچهریان، مهرانگیز دولت‌شاهی، فرخرو پارسا، مهناز افخمی و ده‌ها زن کوشا، و فرهیخته دیگر که در راستای برافرازی جایگاه حقوقی و حقیقی زنان در جامعه ایران تلاشی سترگ کردند و حماسه‌هایی بزرگ رقم زدند.

این زنان میهن‌پرست با کمال استفاده از فرصت‌های پدید آمده، در قالب سازمان‌هایی چون کانون بانوان ایران، و یا سازمان زنان ایران و با استفاده از جایگاه و نفوذ چهره‌هایی چون شاهدخت اشرف پهلوی پیشرفت‌هایی برای زنان ایرانی رقم زدند که بعضاً علی‌رغم روی کارآمدن جمهوری اسلامی نیز، برگشت‌ناپذیر باقی ماندند.

در زمان و زمانه‌ای که دیدیم و می‌بینیم مصدق‌ها در زمینه آزادی زنان با ارتجاع تعارف می‌ورزند و هنوز با پروژه آزادسازی حجاب در دوره رضاشاه مخالفت می‌کنند و اسلامگراها در شئون مختلف اساساً هویت خود را در ستیز با آزادی زن تعریف می‌کنند و چپ نیز نشان داده که حاضر است آزادی زن را فدای مبارزات موهوم ایدئولوژیک خود سازد، تنها جریان قابل اتکا در تاریخ ایران، برای درس‌آموزی در حوزه زنان، زنان دوران‌ساز دوران پهلوی هستند.

ما نیز در «حزب ایران نوین» یکی از مهم‌ترین وجوه تشکیلاتی خود را، بحث از حقوق حقه زنان قرار داده‌ایم. ما باور به برابری زن و مرد را از مدهای رایج روز نگرفته‌ایم بلکه آن را ملهم از باور عمیق تشکیلاتی خود به حقوق بدیهی انسان می‌دانیم. ضمن اینکه بدیهی است که پیشرفت میهن کهن خود ایران را در گرو مشارکت زنان توانمندی می‌دانیم که همراه و همگام مردان در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی نقش بازی کنند.

پیش‌نیاز چنان وضعیت باشکوهی، حمایت از زنان ایران برای دستیابی به حقوق کاملاً برابر سیاسی، اجتماعی و حقوقی با مردان است و این حمایت در مرحله کنونی در تلاش همگانی برای سرنگونی جمهوری زن‌ستیز اسلامی نمود دارد.

پاینده ایران

حزب ایران نوین

۱۷ اسفند ۲۵۸۱